



مسخ ملکوتی؛ عذابی برای گناهکاران/ انسان با حفظ هویت انسانی حیوان می‌شود

در مسخ ملکوتی شخص با حفظ انسانیتش حیوان می‌شود. انسانیت...

در مسخ ملکوتی شخص با حفظ انسانیتش حیوان می‌شود. انسانیت انسان در این مسخ محفوظ است انسان بوزینه، مار و عقرب نمی‌شود؛ چون اگر حیوان شود دیگر عذابی ندارد، حیوانات از حیوان بودنشان رنج نمی‌برند. این انسان است که بوزینه، شیطان و شده و این است که برای انسان عذاب و رنج‌آور است.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، آیت‌الله العظمی جواد آملی در تفسیر آیات 76 تا 83 سوره مبارکه یاسین بیان کرد: بخش پایانی سوره مبارکه یاسین به همان اوائلش بر می‌گردد که درباره احیای اموات است و بحث محوری این آیات معاد است و «غزالی» همین مطلب را دلیل بر این قرار داد که سوره مبارکه یاسین قلب قرآن است چرا که معاد را به صورت عمیق بیان کرده است.

وی ادامه داد: در جریان احیای عظام در آیه 78 سوره یاسین «وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَتَسَىٰ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ» او از آن روی که آفرینش خود را فراموش کرده بود، استخوان‌های پوسیده را برای ما مثل آورد، تا ناممکن بودن رستاخیز را به اثبات رساند. گفت: چه کسی این استخوان‌ها را در حالی که پوسیده‌اند، حیاتی دوباره خواهد بخشید؟! سخن از بازگشت عین یا مثل بدن در قیامت است. زنده کردن انسان در معاد بر اساس آیات قرآنی به دو صورت بیان شده است یکی به صورت مثل که مثل این بدن در روز قیامت و روز حساب زنده می‌شود و یکی به صورت عین که عین همانی که در دنیا بوده است در آخرت زنده می‌شود. آیات مختلفی در قرآن به این مطلب اشاره کرده‌اند و به طور کلی دو دسته آیات در این زمینه وجود دارد که برخی به عین و برخی به مثل بدن دنیایی اشاره دارند.

روح و نفس انسانی در دنیا تغییری ندارد/ تغییر و تبدل مخصوص جسم است
این مرجع تقلید تصریح کرد: اما به نظر می‌رسد زنده کردن عین استخوان‌های پوسیده و مثل آن تناقضی باهم ندارند؛ چرا که موضوع‌شان متفاوت است و در حقیقت این دو در قیامت قابل جمع هستند. محشور کردن مثل آنچه در دنیا بوده است اشاره به جسم و ذرات مادی بدن دارد و مشحور کردن عین آنچه انسان در دنیا بوده است اشاره به روح و نفس انسانی دارد که در قیامت حاضر می‌شوند و در پیشگاه الهی محشور می‌شوند. این واقعه در حقیقت مانند همان چیزی است که در دنیا برای انسان اتفاق می‌افتد از آنجا که روح انسان از بدو تولد تا مرگ هیچ تغییر و تبدلی ندارد اما جسم انسان رشد می‌کند و همیشه در حال تغییر و تبدل است.

وی ادامه داد: بنابراین چون روح انسانی اصل است بدن تابع اوست و هر چه را که روح بپذیرد بدن می‌شود. برای همه پزشکان و متخصصان روشن است که اجزای بدن انسان در طول حیات خود چندین بار به طور کلی عوض می‌شود یعنی ذرات و اجزای او را شکل می‌دهند می‌میرند و ذرات و اجرام دیگری جای آن را می‌گیرند؛ لذا اگر بعد از ده سال گفته شود این اعضا مثل آنهاست درست است و اگر بگوییم عین اوست باز هم درست است چون از نظر جرمی و جسمی قطعاً فرق کرده است پس فرق می‌کند اما از نظر اینکه این انسان همان انسان است و روح انسان همان روح است پس عین آن است.

آیت‌الله جواد آملی اظهار کرد: بر همین اساس است که در این آیات هر دو مطلب را جمع کرده است یعنی هم احیای مثل و هم احیای عین. در آیه 78 همانطور که بیان شد تعبیر به مثل کرد و در آیه بعدی یعنی 79 «قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ» ای پیامبر، در پاسخ او بگو: همان توانمندی که نخستین بار آن استخوان‌ها را پدید آورد، آنها را زنده می‌کند. او به هر آفریده‌ای بسی داناست. ویژگی‌های همه خلایق را چه پیش از مرگشان و چه پس از مرگشان می‌داند، پس زنده کردن مردگان برای او سهل است» تعبیر به «يُحْيِيهَا» کرد که این ضمیر، اشاره به این دارد که عین آن را زنده می‌کند.

تشریح نحوه محشور شدن انسان در آخرت

وی ادامه داد: بنابراین انسان بدون هیچ کم کاستی همان طور که در دنیا بوده است در آخرت محشور می‌شود و عین همان شخصی است که بوده است از نظر روح و نفس. اما از نظر جسم و جرم و ماده مثل همان چیزی است که در دنیا بوده است. لذا اینکه آیات اشاره به دو طائفه دارد آنجایی که اشاره به مثل است مثل سوره واقعه و همین سوره یاسین اشاره به جسم و ماده دارد و آن طائفه از آیات که اشاره به عین دارد منظور روح است یعنی عین همان روح در آخرت محشور می‌شود. چون بدن تابع روح است اگر روح بدنی را قبول کرد پس آن بدن عین همان بدن قبلی می‌شود.

هویت بدن به هویت روح است

این مفسر قرآن اظهار کرد: هویت عضو و هویت بدن به هویت روح است. این مسئله در دنیا هم هست چرا که در محکمه عدل اگر کسی دستش را پیوند بزند و دست دیگری را انتخاب کند نمی‌گویند این دست دیگری است گفته می‌شود که این دست همان شخص است؛ لذا اگر کسی قبل از اینکه دستش را عوض کند دزدی کند و بعد از اینکه دستش را عوض کرده و دست دیگری را پیوند زده به اتهام همان دزدی قبل گرفتار شود و بخواهند حکم اجرا کنند همان دستش را قطع می‌کنند و این از او

قبول نیست که من سرقت را با این دست انجام ندادم.

مسخ ملکوتی؛ عذابی برای انسان‌های گناهکار

آیت‌الله جوادی آملی عنوان کرد: ما در دنیا مسخ ملکوتی داریم و یک مسخ ملکی، مسخ ملکی این است «گوئُوا قِرْدَةً حَاسِيَيْنَ» بقره 65 که انسان مثلا بوزینه شود. که باید بحث شود که آیا قابل توجیه هست یا خیر؟ که عقلا محال است و شرعا هم ممنوع شده است. مسخ ملکوتی این است که شخصی انسان است با حفظ انسانی حیوان می‌شود. انسانیت انسان در این مسخ محفوظ است اما آن بازیگری‌اش در هر گناهی به صورت ملکوتی حیوان می‌شود. تناسخ عذاب است و عذاب کسانی که مسخ می‌شوند این است که انسان هستند و می‌فهمند که بوزینه شده‌اند این چنین نیست که انسان بوزینه، مار و عقرب بشود به این معنا که انسانیت کنار برود و رخت ببرند. چون اگر اینها حیوان شوند دیگر عذابی ندارد تکلیف ندارند و حیوانات که از حیوان بودن‌شان رنجی نمی‌برند و زمانی که انسان به طور کلی انسانیتش زائل شود و حیوان شود که دیگر رنجی نمی‌برد. این انسان است که بوزینه شده است. این انسان است که شیطان شده است و این است که برای انسان عذاب و رنج‌آور است.

روایات زیادی در مورد معاد وجود دارد که مغفول مانده است

این مفسر قرآن بیان کرد: یک دسته از روایات در مورد معاد وجود دارد که مانده است و هنوز روی آن کار نشده است و اگر قرار باشد به آن پرداخته شود شاید از حد 500 جلد کتاب هم بیشتر شود و آن دسته روایات، روایاتی مانند این که انسان مهمان خدا می‌شود این باید بحث شود که مهمانی خداوند که نه زمان و نه زمین دارد یعنی چه؟ انسان با روح مهمان می‌شود یا بدن. در دنیا وقتی انسان در مکه مهمان خداوند است به مکان بر می‌گردد و انسان در مکان مهمان خداوند است. مهمانی در ماه رمضان نیز به زمان بر می‌گردد که هر دوی اینها به فضل و ثواب خداوند بر می‌گردد اما مهمانی خداوند در برزخ به چه معناست؟ چگونه است؟ همه اینها مانده است ولی آنقدر هست که بدانیم که نمی‌دانیم و این باعث می‌شود که ندانسته‌های ما بیشتر شود و داعیه ما هم کم شود.

عذاب گناهکاران در قیامت چگونه است؟

این مرجع تقلید ابراز کرد: در روایتی از وجود امام صادق (ع) سوال می‌کنند که در عذاب آخرت دست قبلی انسان گناه کرده است و دست بعدی که دوباره ساخته می‌شود که گناهی نکرده است که بخواهد عذاب شود آنچنان که در آیه 56 سوره نسا بیاد شده است «كُلَّمَا تَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْتَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ» هر چه پوستشان بریان گردد پوست‌های دیگری بر جایش نهیم تا عذاب را بچشند» ظاهر آیه این است که کفار که در دوزخ هستند با سوخت و سوز دست پوست می‌سوزد اگر این پوست دوباره روییده نشود آن عذاب دردناک را نمی‌چشند و در این آیه فرمود ما پوست جدید می‌آفرینیم تا طعم عذاب را بچشند.

وی ادامه داد: در ذیل این آیه از حضرت سوال می‌شود که پوست قبلی معصیت کرده این پوست بعدی چه گناهی دارد. فرمود: روح انسان مانند قالبی است که یک قالب زن قالب خشت را می‌زند. این خشت‌هایی که شبیه هم هستند و توسط یک قالب زده می‌شوند در حقیقت همانند هستند و یکی هستند چون با یک قالب درست شده‌اند اما غیر هم هستند چون یکی نیستند. بنابراین این قالب همان روح ماست، نفس ماست، هویت ماست و فصل اخیر ماست هر چه فصل اخیر ما بپذیرد عین ماست و اگر نپذیرد غیر ماست و بدن روح نیست.